

تحلیل و تبیین مبانی فرهنگی آموزش عالی (با تأکید بر رویکرد اسلامی به فرهنگ شایسته‌محوری) [◆]

جواد پورکریمی¹

الهه عرب‌زاده²

فاطمه اردو³

چکیده

هدف: هدف از نگارش این پژوهش، واکاوی چیستی و چرایی مبانی فرهنگی آموزش عالی از دو منظر عمومی و تخصصی با تأکید بر رویکرد اسلامی بود. **روش:** مطالعه حاضر با روش تحلیلی - تبیینی بر اساس نظریه کوه یخ شاین و با استناد به آیات و روایات انجام شده است. **یافته‌ها:** در تحلیل مبانی فرهنگی آموزش عالی، ابتدا مبانی عمومی آموزش عالی، شامل تولید علم، انتقال آن و کاربرد دانش، پیرامون چهار عامل اعضای هیئت علمی، دانشجو، برنامه درسی و محیط، بر اساس نظریه شاین در لایه مصنوعات بررسی شد. در گام بعدی مطابق با ارزشها و هنجارهای رفتاری، مبانی فرهنگی آموزش عالی به طور تخصصی در شش بعد مطرح شد که هر یک از آنها متناسب با سرشت آموزش عالی خود، شایسته‌محوری را رقم زده است. سپس روش عقل‌گرایی توحیدی در عمیق‌ترین لایه شاین؛ یعنی باورها و مفروضات، بازشناسی شد. **نتیجه‌گیری:** فرهنگ صحیح دانشگاهی با محوریت توحید، در گرو اجتهاد مستمر متخصصان و علمای دین اسلام با توجه به مقتضیات زمان، در جهت انطباق علوم دانشگاهی با معارف اسلام است. بدین ترتیب، امتزاج عناصر فرهنگ و مصادیق آن با رویکرد اسلامی به شایسته‌محوری قابل تبیین است.

واژگان کلیدی: مبانی فرهنگی، آموزش عالی، فرهنگ دانشگاهی اسلامی، شایسته‌محوری.

◆ دریافت مقاله: 98/09/10؛ تصویب نهایی: 99/03/23.

1. دکترای مدیریت آموزشی، استادیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) / نشانی: تهران؛ بزرگراه شهید چمران، خیابان جلال آل احمد، مقابل کوی نصر، خیابان دکتر کاردان / نامبر: Email: jpkarimi@ut.ac.ir / 021882347350

2. دکترای مدرسی معارف اسلامی (اخلاق اسلامی)، استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

3. دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

الف) مقدمه و بیان مسئله

افراد و کنشگرانی همچون مدیران، اعضای هیئت علمی و دانشجویان، نقش مهمی در شکل‌گیری فرایندهای تصمیم‌گیری در نظام آموزش عالی کشور دارند (پینارو و همکاران،¹ 2019). مطابق سند راهبردی گفتمان توسعه (1394)، ارتقای فرهنگی و اجتماعی دانشگاهیان (اساتید و دانشجویان) به عنوان سرمایه‌های ارزشمند در سازندگی فردای کشور، از طریق برنامه‌ریزی اثربخش برای ارتقای سطح مسئولیت‌پذیری، تذکر آنان به وجدان و انضباط فردی، حفظ و ترویج آداب اصیل و ارزشمند انسانی شایسته است که ترغیب و تجهیز می‌شود. از آنجا که اهل علم در جستجوی کشف حقیقت‌اند، باید آزادانه بتوانند با کاوش، به موضوعات مورد علاقه خود که احتمالاً مخالف افکار یا عقاید عمومی است، دست یابند.

در فرهنگ دانشگاهی شایسته‌محور، می‌بایست تجلیل نوآوری و ایجاد فضای امن برای علم‌پژوهی، نهادینه و بر میزان پیشگامی افراد افزوده شود؛ به گونه‌ای که مؤلفه‌های چنین فرهنگی خصیصه پایدار دانشگاه شود. در این صورت، افراد با تمایل عاطفی مثبت نسبت به اجرای آن، در برابرش احساس تکلیف می‌کنند. اگر استادان، دانشجویان خود را متناسب با فرهنگ شایسته تربیت کنند، به تدریج این فرهنگ ضمن انتقال به نسل بعد، به طور مستمر بازتولید می‌شود. (قورچیان و آراسته، 1383)

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، تاکنون بررسی کارآمد و مناسبی با تأکید بر منابع بومی و اسلامی برای تحلیل و تبیین مبانی فرهنگی دانشگاهی انجام نشده است. چالشهای اخیر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (1397)، شامل عدم تبیین فعالیتهای دانشجویی در توسعه اجتماعی؛ عدم ارائه راهبردهای اجرایی برای الگوسازی رفتار اجتماعی - فرهنگی دانشجویان در دانشگاهها، کم توجهی به سلامت روحی - روانی آنان در فعل و انفعالات دانشگاهها، بی توجهی به زمینه‌های ناهنجاری‌های اجتماعی - فرهنگی در دانشگاهها، عدم توجه به نقش آفرینی دانشجویان به عنوان هماهنگ‌کننده اصلی در وحدت رویه فرهنگی - اجتماعی دانشگاهها، بی توجهی یا کم توجهی به دانشجویان در راستای ایجاد نشاط اجتماعی، نهادینه نشدن فرهنگ و روحیه کار گروهی، تداخل موضوعات صنفی و اجتماعی و علمی با مسائل سیاسی در فعالیتهای تشکلهای دانشجویی با توجه به فراز و نشیبهای محیطهای دانشگاهی، گویای این امر است. مطالعات انجام‌شده در این حوزه نشان می‌دهند: بین فرهنگ دانشگاهی حاکم بر هر یک از دانشکده‌های دانشگاه با فرهنگ رشته‌ای و نیز جنسیت پاسخگویان با فرهنگ دانشگاهی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (امین‌مظفری و همکاران، 1394)؛ عملکرد علمی و آکادمیک دانشجویان در رشد و پیشرفت جامعه تأثیر فراوانی دارد (قاسمی، 1398)؛ فهم شیوه درک، تفسیر و معناسازی افراد جامعه بر دگرگونی‌های فرهنگ دانشگاهی نقش بسزایی دارد (قانع‌ی راد و همکاران، 1393)؛ فرهنگهای مستحکم یا قوی در سازگاری با محیط، موفق‌تر از فرهنگهای ضعیف‌اند و

فرهنگ‌های دارای جهت‌گیری بیرونی در مقایسه با فرهنگ‌های دارای جهت‌گیری درونی، توانایی بیشتری در سازگاری با تغییرات محیطی دارند (بارتل، 2003)؛ مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی شامل استقلال آکادمیک، آزادی علمی، مدیریت دانشگاه، اخلاق حرفه‌ای، ارتباطات، کار و گروهی، فرهنگ یادگیری، اعتماد و سیستم پاداش و ارزیابی، بر سهیم‌سازی دانش اعضای هیئت علمی اثرگذارند (منون، عدلی و صدی، 1396)؛ ذاکر صالحی، 1396؛ که تمام این نکات، نقاط قوت بحث پیش رو را مورد تأکید قرار می‌دهند. همچنین یافته‌های قاسمی (1398)، نامور و همکاران (1397)، عسکری مقدم (1397)، ذاکر صالحی (1396)، ابراهیمی و همکاران (1394)، قانعی راد و همکاران (1393)، ذوالفقارزاده (1390)، زاهدی اصل (1388)، فراستخواه (1385) و قانعی راد (1385) درباره فرهنگ دانشگاه‌های ایران، نشانگر ویژگی‌ها و ارزشهایی است که توان یاری دانشگاه‌ها برای رساندن به فرهنگ دانشگاهی مطلوب را ندارند. افزون بر آن، یافته‌های تحقیقاتی و آمارهای گزارش شده، چالش‌های جدی را در این حوزه خاطر نشان می‌کنند: ضعف در شناخت فرهنگ، برنامه‌ریزی، سازماندهی و هدف، باعث کاهش اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی و در نتیجه، اتلاف منابع در حوزه فرهنگ دانشگاهی می‌شود (فاندد علی و عاشوری، 1393)؛ برنامه‌ریزی در خصوص مفهوم‌سازی فرهنگ دانشگاهی مطلوب و پایش مستمر آن برای بررسی وضعیت تغییرات فرهنگ، انجام نشده است (عسکری مقدم، 1397)؛ دانشجویانی که هویت دانشگاهی نیرومندی ندارند، نمی‌توانند کارآمدی خود را در عرصه‌های مختلف زندگی علمی و اجتماعی آشکار سازند (باقری حیدری، 1394)؛ نظام آموزش عالی ایران با مشکلی به نام فرهنگ دانشگاهی مواجه است و محیط آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌های ایران که طالب یادگیری و آموزش نیستند، تحت تأثیر عواملی دارای ضعف‌های کارکردی‌اند و نقش مورد انتظاری در توسعه و ارتقای زندگی دانشجویی و انتقال ارزش‌ها و هنجارهای علمی آنان ندارند (تمنا و صدی، 1395)؛ فقر مبانی نظری منسجم و متقن درباره فرهنگ دانشگاهی، کاهش اثرگذاری سیاست‌های کنونی آموزش عالی را به همراه دارد (ذوالفقارزاده و همکاران، 1390). مطابق سند راهبردی گفتمان توسعه (1394)، وجود نارسایی‌ها، مسائل و مشکلات، ضعف‌ها و تهدیدها در حوزه فرهنگی و اجتماعی اثرگذاری مولدترین و کارآمدترین بخش از اقشار اجتماعی؛ یعنی دانشگاهیان، کارکنان و مدیران وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بخشی از این نارسایی‌ها عبارتند از: تنزل سطح سرمایه اجتماعی، کاهش فرهنگ کار و تلاش علمی، فقدان نظم لازم، تنزل روحیه درستکاری، کم‌عنایتی به ارزش‌ها و بنیانهای انسجام ملی، ضعف در آموزش‌های اجتماعی و فرهنگی، ضعف در احترام به قانون و مالکیت فکری و معنوی، ضعف در روحیه احترام به اندیشه و تعهد به هنجارهای مشترک، تنزل بهداشت روانی دانشجویان، ضعف در حساسیتها و تعهدات دانشگاهیان به منافع و مصالح ملی و فاصله گرفتن از اهداف توسعه کشور، ضعف در خودباوری و بها دادن

588 ♦ تحلیل و تبیین مبانی فرهنگی آموزش عالی

به خودشکوفایی و افتخار به خود و نیز ضعف در توانمندی‌ها و مهارت‌های ارتباطی به ویژه در دوران دانشجویی. موارد مطرح شده، ضرورت و اهمیت این موضوع را بیش از پیش نمایان می‌سازد. حال سؤال اصلی این است که مبانی فرهنگی آموزش عالی را چگونه می‌توان تحلیل و تبیین کرد تا ابعاد مختلف آن روشن شود. لذا بررسی مطالعات نامبرده به نگارندگان امکان می‌دهد مبانی فرهنگی آموزش عالی را در قالب اهداف ذیل مشخص کنند:

- ♦ تبیین چستی و چرایی ویژگی‌های عمومی مبانی فرهنگی آموزش عالی با رویکرد اسلامی؛
- ♦ تبیین چستی و چرایی ویژگی‌های تخصصی مبانی فرهنگی آموزش عالی با رویکرد اسلامی؛
- ♦ تبیین مبانی فرهنگی آموزش عالی شایسته‌محور با رویکرد اسلامی.

ب) چارچوب نظری

ادگار شاین¹ (1985، 1991، 2004، 2010) فرهنگ را الگویی از مفروضات مشترک اساسی و باورهای تعریف می‌کند که یک گروه اجتماعی برای حل دو مسئله بنیادین تطابق با محیط بیرونی (شیوه ادامه بقا) و ایجاد انسجام درونی (شیوه در کنار هم ماندن) ابداع کرده‌اند. چنین الگویی در مسیر حرکت این گروه اعتبار یافته و ثابت کرده که سودمند و کارساز است و در نتیجه به عنوان شیوه درست ادراک، تفکر، احساس و رفتار به نسل بعد انتقال می‌یابد. بدین ترتیب، فرهنگ در رویارویی با یک گروه یا مشکلات آموخته می‌شود. نظریه ایشان با عنوان «نظریه کوه یخ» در بحث «فرهنگ سازمانی» بسیار تأثیرگذار بود. بر اساس این نظریه، فرهنگ از سه لایه تشکیل می‌شود: بیرونی‌ترین لایه با عنوان «مصنوعات»، مطالعات مختلف در بُعد چستی این امر را تبیین می‌کند؛ در سطح میانی، «رزشها و هنجارهای رفتاری» با تبیین چرایی به تفصیل بحث می‌شود؛ «باورها و مفروضات» نیز در عمیق‌ترین لایه (هسته‌ای) جای گرفته است که در جامعه اسلامی با روش عقل‌گرایی توحیدی می‌توان آن را توجیه کرد. در گذر از این لایه‌ها، می‌توان به فرهنگ‌های رایج دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران اشاره کرد.

با نگاهی به پیشینه آموزشی دانشگاه‌های ایران و برای نمونه دانشگاه تهران به عنوان نخستین دانشگاه ایران، می‌توان گفت به طور عمده بر الگوی آموزش عالی فرانسه (ناپلونی) تأکید شده است. بر اساس الگوی ناپلونی، دانشگاه نهادی وابسته به دولت، متمرکز، آموزش‌محور، مبتنی بر تربیت نیروی انسانی متخصص برای اهداف و برنامه‌های دیوان‌سالاری دولتی است. اما در دهه 70، با تأسیس معاونت‌های پژوهشی، نقش و کارکرد دانشگاه ایرانی با الگوگیری از دانشگاه هومبولتی (آلمان) که بر پژوهش تأکید

می‌ورزد، در مسیر توسعه علم هدایت شد. سال 1378 نیز با تأسیس معاونت‌های فرهنگی و اجتماعی، رسالت فرهنگی دانشگاه برجسته شد که می‌تواند برگرفته از الگوی آکسبریجی (انگلستان) باشد. در سالهای اخیر با مطرح شدن دانشگاه کارآفرین، پارکهای علم و فناوری و نیز تأکید بر ثبت اختراعات و در نهایت دانشگاههای نسل چهارم و پنجم، الگوی دانشگاهی مبتنی بر بازار و یا الگوی شرکتی در حال گسترش بوده است (ذاکر صالحی، 1396). در این الگوی دانشگاهی، کسب علم و دانش رفته‌رفته ناپدید شده و به دست آوردن امکانات (برای پردازش اطلاعات) به عنوان جایگزین، هدف می‌شود (بیکر،¹ 2017). یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین رسالت‌های دانشگاه، تعمق و تحقق فرهنگ صحیح اسلامی است و با توجه به نقش جدید کارآفرینی دانشگاه و تعامل آن با صنعت، ضرورت وفاق این نقش جدید با رسالت فرهنگ صحیح دانشگاهی بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا در حال حاضر سبغۃ الگوی مبتنی بر بازار (شرکتی) رسالت فرهنگی دانشگاه را کم‌رنگ کرده است. تأسیس دانشگاه‌های دولتی آموزش‌محور، متمرکز و مدرک‌گرا مشابه دانشگاه پاریس قرن 13 و 14، سپس افزودن رسالت پژوهش در کنار آموزش (هومبولتی) و نیز رسالت فرهنگی برگرفته از الگوی آکسبریجی انگلستان و در نهایت حرکت به سمت تجاری‌سازی آموزش عالی در مسیر تاریخی هشتاد سال گذشته حکایت از آن دارد که جبر زمانه، نیازها، امکانات و ساختارهای موجود، مؤثرتر و تعیین‌کننده‌تر از نظام اندیشیدگی و بینش و فلسفه اسلامی در دانشگاه بوده است و با وجود وضع آیین‌نامه‌ها و مقررات لازم و متعدد در نظام آموزشی ایران، هنجارهای حرفه‌ای متناظر با آن همچنان نحیف و رنجور است.

از نظریات قابل توجه و تأمل در این بحث، نظریه پست‌مدرنیسم (پسا ساختارگرایی) است. مضمون اصلی پست‌مدرنیسم در مفاهیمی همچون: اختیار، توانایی شکار موقعیت، نسبی‌گرایی، زمان شتابنده، درون‌گرایی، فردگرایی، فوریت، ارتباطات و تعامل نهفته است و به عنوان یک پدیده فرهنگی، آمیزه‌ای از سبک‌هاست که ابهام را تحمّل می‌کند، بر نوع تأکید دارد، نوآوری را ارج می‌نهد و بر ساختارزدایی از واقعیت اصرار دارد. پست‌مدرن در تقابل با نوگرایی (مدرنیسم) شکل گرفته است (مزروعی و همکاران، 1393). از مدرنیستها به دلیل ارزش بی‌چون‌چرایی که برای عقلانیت قائل‌اند و کوششی که برای ارائه نظریه‌های جامع و فراگیر بر مبنای اصول و روش‌های عملی می‌بذول داشته‌اند، انتقاد می‌شود (بانولسن، 2016: 36). پست‌مدرنیستها تعریف و تنوع آینده مطلوب برای همگان را (با توجه به تنوع علایق و خواسته‌های انسانها) غیر ممکن می‌دانند. آنها با تأکید بر تنوع به منزله ارزشی مهم، بر این باورند که دانش به طور پراکنده به دست می‌آید و در قالب تکه‌ها و اجزای بسیار متفاوت تولید می‌شود (صالحی عمران و حسین تبار مرزبالی، 1394). به این ترتیب، جمع همه دستاوردهای علمی و دانش‌های پراکنده در یک دیدگاه جامع و منفرد امکان‌پذیر و معقول به نظر

590 ♦ تحلیل و تبیین مبانی فرهنگی آموزش عالی

نمی‌رسد. به اعتقاد آنان، آثار پراکنده‌گی دانش درباره جهان از طریق فروریختن مرزهای میان ملتها، اختلاط فرهنگها، سیاستها و رفتارهای سیاسی و مذاهب متجلی شده است.

ج) روش پژوهش

روش این پژوهش با استناد به کلام وحیانی (آیات) و روایات به صورت تحلیلی - تبیینی و بر اساس «نظریه کوه یخ» شاین در سه لایه مصنوعات، ارزشها و هنجارهای رفتاری و عمیق‌ترین سطح آن؛ یعنی باورها و مفروضات به عنوان مفروضه‌های اصلی شایسته‌محوری انجام شده است. در این راستا، تلاش می‌شود تبیین چستی و چرایی ویژگی‌های عمومی مبانی فرهنگی آموزش عالی، تبیین چستی و چرایی ویژگی‌های تخصصی مبانی فرهنگی آموزش عالی و تبیین مبانی فرهنگی آموزش عالی شایسته‌محور، با رویکرد اسلامی بررسی شود.

د) یافته‌ها

1. تحلیل ویژگی‌های عمومی آموزش عالی از بُعد چستی و چرایی

اولین و بارزترین ویژگی دانشگاهها در سطح مصنوعات، داشتن ویژگی رکن توسعه بشر؛ یعنی علم است¹ که به مثابه منبعی غنی، فرهنگ دانشگاهی را تغذیه می‌کند و با آگاهی‌بخشی همچون برج فرماندهی فکری می‌تواند خدمات فکری و کاربردی همگان را به بهترین وجه عرضه کند. فرهنگ نیز به نوبه خود هویت‌ساز، مولد تربیت، اخلاق محور و تفکرپرور است (مام خمینی، 1377: 21)؛ اما چنین فرهنگی برآمده از علمی مفید و جهت‌دار است؛ زیرا «علم مطلق» صرف دانستن بدون رعایت جهت مطلوب، مضر است و چه بسا آثار و عواقب مهلک و جبران‌ناپذیری به دنبال داشته باشد.² در واقع نظام آموزشی و مجموعه‌های دانشگاهی ویژگی علم را در سه محور ارائه می‌دهند: تولید علم (تحقیق و پژوهش)، انتقال و اشاعه دانش (آموزش)، کاربرد دانش (حوزه سخت - کاربردی یا فناوری) (فورچان و آراسه، 1383). تولید علم در حوزه‌های مختلف فکر و اندیشه را ارتقا داده و به واسطه کشف و تبیین، علاوه بر تسهیل و تسریع روشهای یادگیری، فناوری نو را ممکن می‌سازد و با رشد و گسترش فناوری‌های جدید (فقیه نصیری و همکاران، 1394)،

1. «آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ تنها خردمندان متذکر می‌شوند (و پند می‌پذیرند)» (زمر: 9)

2. «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس: 24). در بعضی از روایات معصومین (کلینی، 1374: 412) آمده است که منظور از «طعام»، علم و دانشی است که غذای روح انسان است؛ باید بنگرد که آن را از چه کسی گرفته؟ آری! انسان باید درست بنگرد که سرچشمه اصلی علم و دانش او که غذای روحانی اوست کجاست؟ مبدا از سرچشمه آلودهای تغذیه شود و روح و جان او را بیمار کند یا به هلاکت افکند.

چهره جوامع را روز بروز متحول می‌کند. انتقال و اشاعه دانش از طریق آموزش بستر توسعه را در زمینه‌های گوناگون فراهم کرده و توانمندی‌های شناختی را تقویت می‌کند. البته آموزش یادآوری صرف نیست، دستاوردهای آن پاسخ به نیازهای اساسی بشر، تبلور شایستگی‌های انسانی (اعم از ابعاد شناختی و غیر شناختی) و تربیت افراد و نیروهای متخصص متعهد است؛¹ به گونه‌ای که متعلم آموزش را آنچنان درک کند تا در عمل نماند. علمی که به مرحله کاربرد و استفاده نرسد، نمی‌تواند ارزش آفرین و فرهنگ‌ساز باشد. از آنجا که دانشگاه از بُعد قضاوت‌های افکار عمومی، دارای مقبولیت شناختی است، در پذیرش نقش‌های جامعه‌پذیری، فرهنگ‌پذیری و انتقال ارزش‌های دینی و اخلاقی، به واسطه تربیت منابع انسانی متخصص متعهد و دارای مهارت‌های چندگانه مطابق با نیازهای جامعه، به نوعی در بازسازی زمینه‌های گوناگون به ویژه فرهنگ صحیح می‌تواند نقش آفرینی کند.

در تقسیم‌بندی دیگری می‌توان عناصر چستی و چرایی آموزش عالی را به طور عام نشأت گرفته از چهار عامل اساسی آموزش عالی شامل اعضای هیئت علمی،² دانشجو،³ برنامه درسی و محیط دانست. بخشی از این چستی و چرایی‌ها مربوط به مباحث کلان سیاست‌گذاری‌ها و بخش دیگر مربوط به اعضای هیئت علمی و توسعه آن (به عنوان عنصری کلیدی) می‌شود. استاد به واسطه جایگاه ارزشمندش در جامعه، معمولاً واجد نوعی اقتدار و جذابیت برای دانشجوی در جستجوی هویت خویش است (فتح‌آبادی، 1393). این امر از اصلی‌ترین نقاط قوت استاد و یکی از عناصر چستی و چرایی آموزش عالی است. از سویی، دانشجو که تجارب و جامعه‌پذیری خود را به واسطه دیگر عناصر دانشگاه می‌یابد، از سه بُعد فردی، میان‌فردی و برون‌فردی اهمیت دارد؛ بعد درون‌فردی دانشجو به واسطه برنامه‌های متنوع آموزشی، فرهنگی و فوق برنامه‌های درسی هدایت شده و یکپارچگی درونی‌اش متحقق می‌شود؛ بُعد میان‌فردی دانشجو (شامل روابط با دیگران، چگونگی ادراک دانشجو از دیگران و چگونگی برقراری ارتباط با آنها) از طریق فرصت‌های آموزشی، پرورشی و تربیتی تعمیق می‌یابد. دانشجو از این طریق در ارزیابی گزینه‌های مختلف رفتار خود، توانمند شده و می‌تواند با ارزشیابی درونی، خودتنظیم‌کنندگی رفتار در روابط با دیگران داشته باشد. بُعد برون‌فردی دانشجو نیز در بسترهای ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و شخصیتی او در محیط دانشگاه

1. در چند جای قرآن کریم نیز که صحبت از آموزش شده، همواره تزکیه، اهم بر تعلیم بوده است. (بقره: 151؛ آل عمران: 164؛ جمعه: 2)
2. از میان تمام بندگان، دانشمندانند که به مقام عالی خشیت؛ یعنی «توس از مسئولیت توأم با درک عظمت مقام پروردگار» نایل می‌شوند (فاطر: 28). امام صادق (ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «منظور از علماء کسانی هستند که اعمالشان هماهنگ با سخنانشان باشد. کسی که گفتارش با کردارش هماهنگ نباشد، عالم نیست». قطعاً عضو هیئت علمی می‌بایست به عنوان یک استاد به حساس‌ترین وظیفه خود یعنی تزکیه و تعلیم واقف باشد و بداند که برای دعوت به بصیرت و اصلاح و تحول قشر دانشجو قبل از هر چیز خودش دارای ویژگی‌های هدایتگر باشد و پیش از آنکه دیگران را بیاموزد، خود را تعلیم دهد و با کردار فرهیخته خود رفتار و گفتارش هماهنگ باشد.
3. دانشجو به یاری چنین استادی که تعریف شد می‌تواند اندیشه‌های معنوی را با خلق الفاظ ناب اشاعه دهد؛ چرا که اندیشه و فکر در کلام نمایان می‌گردد. گفتار در کردار نمود می‌یابد، کردار و رفتار به تدریج عادت می‌شود، عادت نشانگر شخصیت و منش است و منش نیز همان خلق و خوی دانشجو است.

592 ♦ تحلیل و تبیین مبانی فرهنگی آموزش عالی

رشد می‌یابد. برنامه‌های درسی آموزش عالی نیز از عوامل و عناصری‌اند که در تحقق بخشیدن به اهداف آموزش عالی نقش بسزایی دارند (نوروززاده و همکاران، 1385). از این رو، برنامه درسی در آموزش عالی باید مطابق با نیازها و تحولات، از جامعیت لازم برخوردار باشد تا از طریق رشد قابلیت‌ها و مهارت‌هایی در دانشجویان مورد توجه قرار گیرد که می‌توان آنها را در دنیای کنونی، از بعد فردی و اجتماعی به عنوان عاملی در چستی و چرایی آموزش عالی محسوب کرد. همچنین برای ایفای نقش در دنیای پیچیده امروز با مهارت‌ها و دانش‌های ضروری توان رویارویی با ساختارهای متغیر آن را داشته باشند (کرمی و فلاحی، 1392). محیط دانشگاه نیز با توجه به ویژگی‌ها و شرایط حاکم بر آن، سمت و سوی کنش‌های دانشجویان را مشخص می‌کند. ویژگی‌های کنشگران در این محیط و فضای حاکم بر تعاملات بین افراد و شرایط محیطی به نوعی است که زمینه‌های تکثر و تراکم ارتباطات بین آنان را فراهم می‌سازد و این امر می‌تواند به عنوان یکی دیگر از مبانی آموزش عالی مورد مدافعه قرار گیرد.

2. تحلیل ویژگی‌های تخصصی مبانی فرهنگی آموزش عالی از بُعد چستی

بر اساس لایه دوم (ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری)، شش ویژگی ذیل قابل تبیین است:

اولین ویژگی، تقویت نقد و نقدپذیری در آموزش عالی است.¹ به تعبیر بارنت، «نقد» و «نقادیت» نوعی فرهنگ (مجموعه باورها و ارزش‌ها) است که امکان تفکر انتقادی و تولید اندیشه انتقادی را فراهم می‌کند. او برای شناخت فرهنگ نقد، «خرد انتقادی، بازاندیشی انتقادی و کنش انتقادی» را از هم تفکیک می‌کند و می‌گوید: هدف خرد انتقادی، نقد خرد و محصولات آن؛ یعنی دانش و معرفت در صور مختلف است. در بازاندیشی انتقادی، به نقد «خود» می‌پردازیم؛ در حالی که کنش انتقادی، معطوف به نقد جامعه است. بنابر این، کل نهاد آموزش عالی، سه رسالت انتقادی بر عهده دارد: نقد دانش، نقد خود و نقد جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم (فاضلی، 1386). بارنت در پاسخ به این سؤال که چگونه دانشگاه می‌تواند به ایفای رسالت انتقادی خود پردازد، با اشاره به شرط‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و معرفتی می‌گوید: علم برای ایفای رسالت انتقادی و رهایی بخشی خود، نیازمند تحقق سه شرط است: وجود «چارچوب»، سنت و گفتگمانی که از درون آن استانداردها و معیارهایی که نقد باید بر اساس آن صورت گیرد، تعریف و تبیین می‌شود. وجود یک «فضای سیاسی - اجتماعی» که اجازه و امکان تربیت انسان منتقد را دهد و شرایطی فراهم سازد تا نقد در زمان مقتضی، تأثیر خود را ظاهر کند. وجود «انگیزش یا تمایل به نقادی» در فرد و آمادگی و شجاعت او برای نقد کردن و شنیدن نقدهاست. از این طریق دانشگاه به پیشرفت فرهنگ جامعه نیز کمک می‌کند.

1. «پس با من از گفتن حق یا رأی زدن به عدل باز نایستید، زیرا من در نظر خود بزرگتر از آن نیستم که مرتکب خطا نشوم و در اعمال خود از خطا ایمن باشم. مگر آنکه، خدا مرا در آنچه با نفس من رابطه دارد، کفایت کند.» (نهج البلاغه، خطبه 216)

ویژگی دوم، هویت‌یابی¹ در آموزش عالی است. به اعتقاد بوردیو (1384)، مهم‌ترین کار دانشگاه، شکل بخشیدن هویت تازه‌ای در فرد تحصیل کرده به نام هویت آکادمیک است. دانشجویان و استادان نه بر مبنای آگاهی و فرمانبرداری با دانش کامل از واقعیتها، بلکه بنابر «عادت‌واره‌ها» عمل می‌کنند (رزیدن، 2011). این «عادات» یا «ملکات دانشگاهی» سازنده هویت دانشگاهیان و محصول «ساختار فرهنگی و اجتماعی» معین در هر جامعه علمی‌اند. از این رو، جوامع مختلف، فرهنگ و عادات دانشگاهی متفاوت دارند (مبئی و اصلانی، 1394). به اعتقاد بچر³ (1981) اعضای اجتماع دانشگاهی هویت خاص خود را دارند و افراد درون هر یک از اجتماعات علمی رشته‌ای، بر مبنای فرهنگ خاص خود هویت‌یابی می‌کنند. این کارکرد را نیز می‌توان یکی دیگر از رسالت‌های آموزش عالی از بُعد فرهنگی به شمار آورد (هودا و همکاران، 2017). هر یک از رشته‌های دانشگاهی متناسب با اهداف، روشها، اصول و کاربردهایشان، نظامی از ارزشها، باورها و هنجارها یا فرهنگ رشته‌ای را تشکیل می‌دهند که به عنوان عامل فرهنگی در چیرستی مبانی فرهنگی نظام آموزش عالی معنا می‌یابد. بدین ترتیب، گروه‌های مختلف دانشگاه فرصتی برای بازسازی هویت خود بر اساس نظام فرهنگی مورد قبولشان به دست می‌آورند.

سومین ویژگی، ممانعت از تهاجم فرهنگی⁵ در آموزش عالی است. جایگزینی فرهنگ بیگانه از طریق کم‌رنگ کردن فرهنگ ملی را که اغلب به شکلی هوشمندانه انجام می‌پذیرد و عامل بیگانگی یک ملت با فرهنگ خویش و سبب پذیرش فرهنگ بیگانه می‌شود، تهاجم فرهنگی گویند. در این راستا، ضرورت دارد دانشجویان به عنوان نسل جوان که آینده‌ساز جامعه خویش‌اند، آگاهانه و از روی تعقل در برابر چالش‌های پیش رو تصمیم‌گیری کنند. بی‌توجهی به این قشر عظیم می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری را به بار آورد و زمینه ایجاد از خود بیگانگی فرهنگی و پذیرش فرهنگ بیگانه را در جامعه ایجاد کند. از این رو، می‌توان ممانعت از تهاجم فرهنگی را از ابعاد چیرستی مبانی فرهنگی آموزش عالی در نظر گرفت.

ویژگی چهارم، پرورش خلاقیت⁶ در آموزش عالی است. عناصر فرهنگی‌ای همچون: اطاعت بی‌چون و چرا از مراجع قدرت، بی‌احترامی به آرا و افکار دیگران، منس تحکمی، انقیاد در برابر شرایط موجود، اعتقاد به کسب توفیق به قیمت حذف دیگران در حل مسائل اجتماعی و بی‌رغبتی نسبت به یادگیری و تعلم را نمی‌توان در زمره امور فرهنگی مطلوب ارزیابی کرد و به دشواری می‌توان جامعه‌ای را تصور کرد که

1. حدیث مشهور «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»، اهمیت و شیوه هویت‌یابی صحیح را به همگان می‌آموزد.

2. Rezende

3. Becher

4. Huda, Sabani, Shahrill, Jasmi, Basiron & Mustari

5. «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَخَدِّ لَهُمْ بِآلَتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: 125)؛ با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن.

6. «أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» پس آیا آنکه می‌آفریند همانند کسی است که نمی‌آفریند؟ پس آیا پند نمی‌گیرید؟ (نحل: 17)

594 ♦ تحلیل و تبیین مبانی فرهنگی آموزش عالی

افرادش با داشتن چنین ویژگی‌هایی در مسیر ترقی و نیک‌بختی گام بردارند (صادقی و همکاران، 1389). از سوی دیگر، مجموعه‌ای از خصوصیات فرهنگی حاکم بر یک جامعه از قبیل حساس بودن نسبت به استدلال منطقی در برقراری ارتباط با دیگران، برخورداری از تحمل و شکیبایی در مواجهه با موقعیتهای مبهم، آگاهی از ماهیت موقتی دانش و معرفت علمی، برخورداری از روح خلاقیت، عادت به تفکر دقیق، تعهد نسبت به کاوشگری و تحقیق، برخورداری از احساس همدلی و قابلیت سازگاری با تغییرات را می‌توان از جمله عناصر فرهنگی مطلوب، زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده در دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی-اجتماعی قلمداد کرد. آموزش عالی در این باب نقش شگرفی در پویایی خلاقیت فراگیران خود دارد (آلبرچ و آلبرچ،¹ 1987) و در توسعه ایده‌های نو و اظهارنظر در مورد جامعه و همچنین سهم شدن در ایجاد دانش جدید از آزادی منحصر به فردی برخوردار است. از این رو، دانشگاهها ملزم‌اند در دانشجویان خود شایستگی‌هایی را پرورش دهند تا بتوانند با شرایط و موقعیتهای نامعین، همراه با عدم قطعیت و متضاد، یا حداقل با ناهنجاری‌ها، ارزشها و علایق واگرا، مقابله کنند. این امر مهم نیز می‌تواند از موارد چپستی آموزش عالی به شمار آید.

پنجمین ویژگی، توسعه فرهنگی جامعه² است. یکی از پیش‌شرط‌های ضروری توسعه یک کشور، حاکمیت نگرش علمی بر فرهنگ جامعه است. دانشگاهها به عنوان رأس هرم نهادهای علمی یک جامعه در فرایند توسعه کشور، می‌توانند چنین نگرشی را انتقال دهند و در ضمن آن به تهذیب و تربیت نیروی انسانی کارآمد، شایسته و دارای مهارت علمی و اخلاقی برای پاسخگویی به نیازهای واقعی جامعه در زمینه‌های مختلف بپردازند. در واقع؛ توسعه فرهنگی جوامع پیشرفته، نتیجه حرکت دانشگاههای آنها در مسیر فرهنگ بومی‌شان است. دانشگاهی که منطبق بر ساخت اجتماعی- فرهنگی جامعه باشد، از سویی توانایی پاسخگویی به نیازهای اجتماعی، فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی جامعه را خواهد داشت و از سویی دیگر، در فرایند توسعه کشور سهم خواهد بود. با جستجو و شناسایی نیازهای ملی جامعه، ساختار علم و فناوری بومی شکل می‌گیرد و تشکیل این ساختار علمی، در مراحل بعدی، امر توسعه را سرعت می‌بخشد. در غیر این صورت، نقش دانشگاه نقشی حاشیه‌ای خواهد بود و به جای ایفای نقش، تماشاگری منفعل و غیر کارآمد خواهد شد. نتیجه این امر، تقلید از غرب، استفاده صرف علم (به جای تولید علم) و فراردهی مغزها از کشور خواهد بود؛ مسئله‌ای که متأسفانه در حال حاضر تا حدودی مشهود است و وظایف دانشگاهها را سنگین تر می‌کند. دانشگاهی که قادر نباشد در جهت پالایش غناسازی هویت فرهنگی جامعه نقشی را ایفا کند، به قطع توانایی آموزش و پرورش نیروهای متخصص مورد نیاز و از همه مهم‌تر، تزکیه آنان را نخواهد داشت.

1. Albrech & Albrech

2. «ادعُ إلى سبيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: 125)، این آیه شریفه علاوه بر آنکه نحوه ممانعت از تهاجم فرهنگی را می‌آموزد، در حقیقت بیانگر بهترین راه و روش توسعه فرهنگی جامعه است.

ششمین ویژگی، توسعه فردی¹ است. در این خصوص سه مورد «کاوش ذهنی، توجه به کیفیت یادگیری و فناوری در آموزش عالی» از اهم دلایل پرورش خلاقیت حول محور آموزش عالی است که ریشه‌های این دلایل در زندگی و باورها و ارزشهای فرهنگی جای دارد.

3. تحلیل ویژگی‌های تخصصی مبانی فرهنگی آموزش عالی از بُعد چرایی

در دهه اخیر، دیدگاه‌های مربوط به حکمرانی علمی و دانشگاهی از الگوی بروکراتیک فراتر رفته، مفاهیم سیاسی و نابسامانی سازمان یافته را نیز در بر گرفته است (بالدریج،² 1971؛ کوهن و مارچ،³ 1974؛ شاین، 2010؛ ماسیاگ و هریسون،⁴ 2019). مفهوم فرهنگ و به تبع آن فرهنگ سازمانی نیز گاه تصویر ارزشمندی از دانشگاهها به همراه دارد. به گفته لایفر⁵ (1979)، فرهنگ سازمانی ابزاری سازمانی برای کنترل نامحسوس است. ابزارهای کنترل نامحسوس در کنار دو سازوکار دیگر برای کنترل سازمان عمل می‌کنند؛ ابزارهای آشکار (مثل مقررات رسمی و نظرات مستقیم) و ابزارهای ناآشکار (مثل تخصصی سازی و سلسله مراتب) بر حیات سازمانی تأثیر می‌گذارند. اما وقتی ابزارهای آشکار و ناآشکار ضعیف باشند، ابزارهای کنترل نامحسوس مثل فرهنگ سازمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. پردیس دانشگاه نمونه بارزی از سازوکارهای ضعیف کنترل آشکار و ناآشکار است (کوهن و مارچ، 1974؛ مارچ و اولسن،⁶ 1976). با بررسی فرهنگ سازمانی می‌توان نحوه رسیدن سازمان به وضعیت فعلی اش را نیز تبیین کرد. فرهنگ می‌تواند آثار گذشته را در تصمیم‌گیری و عمل تشریح کند. از سوی دیگر، منطق، پشت رشد و توسعه یک نهاد را توضیح می‌دهد؛ سپس با فهم این موضوع، مبنای بهتری برای تصمیم‌گیری اداری و اجرایی ارائه می‌دهد (اسیت و استدمن،⁷ 1981؛ ماسلند، 1985). به گفته دیل⁸ (1982) نیز مسئولان اداری و اجرایی در دوران افول باید فرهنگهای دانشگاهی را «مدیریت» کنند؛ چون قدرت یک نهاد از فرهنگش سرچشمه می‌گیرد و فرهنگ یک نهاد، بخشی از فشارها و دشواریهای ناشی از این افول را بر تار و پود اجتماعی سازمان کاهش می‌دهد. افزون بر آن، فرهنگ نیرویی است که در نظامهای مستمر اجتماعی مثل دانشگاه با خود ثبات و حس پیوستگی می‌آورد. از دیدگاه پژوهشگران (قاسمی، 1398؛ عسکری مقدم، 1397؛ ذاکر صالحی، 1396؛ ابراهیمی و همکاران، 1394؛ قانعی راد و همکاران، 1393؛ ذوالفقارزاده، 1390؛ فراستخواه، 1389؛ زاهدی اصل، 1388؛ قانعی راد، 1385)، فرهنگ سازمانی در دانشگاههای ایران از نبود ویژگی‌هایی از قبیل عدم استقلال

1. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه/2)؛ اوست که در میان مردم درس نخوانده، پیامبری از خودشان مبعوث کرد تا آیات الهی را بر آنان بخواند و آنها را رشد و پرورش داده (از آلودگی شرک و تفرقه پاک سازد) و کتاب آسمانی و حکمت به آنان بیاموزد.

2. Baldrige

3. Cohen and March

4. Maciag and Harrison

5. Leifer

6. March and Olsen

7. Smith and Steadman

8. Dill

596 ♦ تحلیل و تبیین مبانی فرهنگی آموزش عالی

دانشگاهی، نبود آزادی علمی، مدیریت متمرکز، ضعف ارتباطات، فردگرایی و ضعف کار گروهی، ضعف سرمایه انسانی، نداشتن منزلت و پاداش مادی و معنوی و به ویژه فرهنگ شایسته‌محور رنج می‌برد. در فرهنگ دانشگاهی عصر حاضر تلاش بر آن است که با تمرکز بر آموزش، ابداعات، نوآوری علمی و پرداختن به دنیای علم، جهان کنونی درک و اصلاح شود.

4. تبیین مبانی فرهنگی آموزش عالی مبتنی بر شایسته‌محوری

تاب‌آوری از نظر کامپفر¹ (2002)، رسیدن به تعادل اولیه یا تعادل سطح بالاتر (در شرایط تهدیدکننده) است که سازگاری موفق در زندگی را فراهم می‌کند. از این رو، تاب‌آوری دانشگاهیان در انواع فرهنگ سازمانی از بیرونی‌ترین لایه فرهنگ: «مصنوعات» تا عمیق‌ترین لایه آن: «باورها و مفروضات» (شاین، 2010)، می‌تواند شرایط فرهنگ دانشگاهی شایسته را فراهم آورد. تعابیر پژوهشگران درباره مبانی فرهنگ دانشگاهی شایسته در گذر از این لایه‌ها و متناسب با مأموریت، اهداف و به طور کلی فلسفه وجودی دانشگاهها، متفاوت است. مطالعات مختلف نشان می‌دهد فرهنگ گشودگی، اعتماد و پذیرا بودن و فرهنگ خودداری از مقصرانگاری (کمپ، 2017)²، فرهنگی با کنشهای موفق دانشگاهی (کلارک، 1985 و 1986؛ کوه و ویت، 1988؛ آستین، 1990)⁴، خرده‌فرهنگهای همسو با اهداف سازمان (کوه و ویت، 1988)، فرهنگی با ساختار افقی (فاضلی، 1386)، فرهنگ فایده‌گرایانه (رایس، 1986)⁵، فرهنگ انعطاف‌پذیر و ریسک‌پذیر (فرین و کامرون، 1991)⁶، فرهنگی با تأکید بر روابط بین‌المللی و ارتباطات چندسویه دانشگاهها (مانان)، فرهنگ توسعه‌ای، حمایتی (با و کالتی)، کالجی، مدیریتی، ملموس، مجازی مطلوب (برگ‌کوئیست و باولاک، 2007)⁷، فرهنگ هدایتگر (شاین، 2010)، فرهنگ مشارکتی، با افرادی متعهد و توانمند (ماسیاک و هریسون، 2019)، فرهنگ بهبود عملکرد، فرهنگی با نقش پررنگ خانواده و گروهها (شاین، 2004) و سمن‌ها و اتحادیه‌های بازار کار (فراستخواه، 1389) و فرهنگ بالغ و تکامل‌یافته (ماسیاک و هریسون، 2019)، نوعی تاب‌آوری فرهنگی است که متناسب با بافت هر دانشگاه، شایسته‌محوری را رقم زده و برای هر دانشگاهی نقش یک سرمایه اصلی را ایفا می‌کند. در این باب، قرآن که جامع همه نظرات مذکور است، به بهترین و کامل‌ترین وجه، مبانی فرهنگی آموزش عالی مبتنی بر شایسته‌محوری را تبیین می‌کند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره بر پا دارنده عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید، گرچه به ضرر خودتان یا والدین و بستگان باشد. اگر (یکی از طرفین) ثروتمند یا فقیر باشد، پس خداوند به آنان سزاوارتر است. پس پیرو هوای نفس نباشید تا بتوانید به عدالت رفتار کنید. و اگر

1. Kumpfer

2. Kamp

3. Kuh & Whitt

4. Austin

5. Rice

6. Freeman & Cameron

7. Bergquist & Pawlak

زبان بیچانید(و به ناحق گواهی دهید) یا (از گواهی دادن به حق) اعراض کنید، پس(بدانید که) خداوند به آنچه می کنید آگاه است»¹(نساء: 135)

5. تبیین چستی و چرایی مبانی فرهنگی آموزش عالی با رویکرد اسلامی

چشم انداز فرهنگ، ریشه در مسائل روش شناختی دارد. در حال حاضر بیش از همه، دو روش شناختی فرهنگ پیش روست. تولن از این دو روش با عنوان سنت عقل گرایانه و سنت انسانی یاد کرده، می گوید: سنت عقل گرایانه(با محوریت عقل انسان) بر منابع عمومی و جهانی علم تأکید می ورزد، اما سنت انسانی مورد علاقه دانش (مفید) است و بر عناصر خاص، محلی و به موقع رفتار صحیح انسانی متمرکز است(والیما،² 2008). در فرهنگ اسلامی، سنت و روش توحیدی همان چیزی است که در کلام تولن به سنت انسانی تعبیر می شود. فرهنگ جامعه علمی دنیای امروز بر پیشرفت فناوری و روح علمی مبتنی بر روش عقل گرایی با نگرش سکولاریزم در روابط اجتماعی بنا شده(رانگ و هانگوی،³ 2017) و برای تحقق غایت نظام آموزشی به دنبال پرورش بهترین متخصصان، پژوهشگران و فناوران است. در این روش، ملاک و معیار «حقیقت» رساندن به بالاترین استفاده و بیشترین بازده برای پاسخ به نیازهای دنیوی بشر است و اخلاق معنوی و تکاملی نقش تعیین کننده ای ندارد. در این روند، هر چند عوامل بازدارنده نظام آموزشی غرب به گونه ای است که راه رشد کم مایگان علمی را می بندد، اما حاکمیت نگرش سکولار با محوریت عقل آدمی، آمیختگی کارکردهای علم(یعنی تولید، انتقال و کاربرد دانش) را با اخلاق معنوی و تکاملی در هم می شکند و فرهنگ صحیح دانشگاهی را با تهدیدهای جدی درگیر می کند که پیامد گریزناپذیر آن، تنزل فردیت انسان به پایین ترین مرتبه و تقویت خطر از خودبیگانگی است. اگر علم به همان معنایی باشد که برخی دانشمندان علوم تجربی به آن توصیه دارند، توان تهاجم فرهنگ بیگانگان را نخواهد داشت. تنها دانشی اثربخش است که در ظرف مرکزی یعنی انسان تزکیه شده قرار گیرد. چنین دانشی از فساد، انحراف و تهاجم فرهنگ بیگانه نیز ممانعت می کند. تحقق چنین ضرورتی در گرو تبیین مبانی فرهنگی آموزش عالی به مدد بهره مندی عقل انسان از آموزه های وحیانی با محوریت توحید و به تعبیری، سنت انسانی است.

روش عقلگرایی توحیدی: نوع نگرش فراگیران علم در کنار کارکردها و نوآوری های علمی به واسطه فرهنگ دانشگاهی می تواند شیوه های اندیشیدن و زیستن افراد را حتی در جامعه تغییر دهد. نگرش یا بینش هر فرد علمی بدان معناست که وی با اتکا به نوعی چارچوب از پیش تعیین شده وارد میدان معرفت

1. پایبندی و عمل به آیه 135 سوره نساء در هر سطح سازمان به ویژه آموزش عالی و دانشگاهها، در واقع صراط مستقیم دستیابی به عمیق ترین لایه شاین؛ یعنی باورها و اعتقادات و همچنین نیل به تعادل، گشودگی، اعتماد و پذیرا بودن، خودداری از مقصرانگاری، کنشهای موفق دانشگاهی، همسویی با اهداف صحیح سازمان و ... با رویکرد شایسته محور است.

2. Välimaa

3. Rong & Hongwei

598 ♦ تحلیل و تبیین مبانی فرهنگی آموزش عالی

می‌شود و این نوع معرفت و شناخت باعث ایجاد روحیه ابتکار، استمرار علمی و نحوه مسئولیت‌پذیری و تعامل او می‌شود. قدر یقین دانش مرز نمی‌شناسد و فناوری نیز به سرعت انتقال می‌یابد. این دو بی‌طرف نیستند و در عین حال جهان‌بینی‌ها، ارزشها و الگوهای خاص و در نتیجه فرهنگ مربوط به آن را با خود وارد می‌کنند. بنابر فرهنگ اسلامی، کارکردهای جامعه علمی زمانی مفید و ارزشمند است و منجر به فرهنگ مطلوب می‌شود که افراد آن هر گامی در مسیر آموزش و پژوهش بر می‌دارند، گام دیگر را در جهت کسب مکارم اخلاقی بردارند و این اصل در پرتو ارتقای بینش و نگرش صحیح تحقق می‌یابد. نکته حائز اهمیت درک بینش صحیح (بینشی با محوریت توحیدی) است؛ زیرا فطرت وجودی انسان، الهی و توحیدی و خاص اوست، با مسیری معین و غایتی مشخص: «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» (اعراف: 172) که قلب و جان آدمی با آن آشنایی دیرینه دارد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (عد: 28) و انسان را به هدایت عالی سوق می‌دهد: «... وَ مَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (تغابن: 11). او دارای دو ساحت است: جسمانی، که با وساطت و اسباب منطبق بر زمان و مکان، خلق خداست و روحانی، که بدون دخالت هرگونه اسباب مادی و ظروف زمانی و مکانی، امر خداست. «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر: 29) خلق اولیه او چکیده‌ای از گل و خلق آخر او متفاوت از مراحل قبل و مستفیض از خیر کثیر الهی است. «ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ»؛ انسان صاحب فطرت و عقل، دارای هویتی فراتر از عالم ماده است و کیفیت حیاتش وابسته به حاکمیت عقل اوست. رفتارها و کردارها، تجلی محتوا و کیفیت ابعاد ادراکی و فطری انسان است که وقتی به صورت ارادی بر اساس باور صحیح و در چارچوب فطرت سلیم اجرا شود، عمل صالح است.¹ او دارای سرشتی نیک، الهی و ملهم خیر و شر است: «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا» (شمس: 8) و می‌تواند دارای قلبی سلیم: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (شعراء: 88-89) یا قلبی مریض: «وَ أَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَ مَاتُوا وَ هُمْ كَافِرُونَ» (توبه: 125) باشد. البته تعالی انسان به عنوان مطلوب ذاتی او، نیازمند شناخت مفاهیم مبانی انسان‌شناختی است و «ارتباط بینش توحیدی با مفاهیم مبانی انسان‌شناختی، ارتباطی اشرافی و همچون ارتباط نور و شعاع‌های آن، حکایتگر ارتباط مفهوم کانونی با سایر مفاهیم پیرامونی و جلوه همان مفهوم کانونی (یعنی توحید) است» (باقری، 1387: 43). اگر بینش دانشگاهها بر این باور - که همانا سنت انسانی فرهنگ دانشگاهی است - استوار شود، در آن صورت همه علوم و رشته‌های تحصیلی با وجه اشتراک بینش توحیدی به سمت فرهنگ

1. در قرآن کریم از کلیه رفتارهای انسانی صحیح و مقبول (چه رفتارها و لذاپذ دنیوی و مادی و چه رفتارها و لذاپذ معنوی و اخروی)، به عنوان عمل صالح یاد شده و همواره ایمان و عمل صالح به صورت لازم و ملزوم یکدیگرآمده است؛ آیاتی همچون: آل عمران: 157؛ نساء: 122؛ مائده: 9؛ بیانگر این مطلب است.

صحیح رو به تکامل هدایت خواهد شد و آنگاه همه الگوهای متفاوت ذکر شده و رایج دانشگاهی هویت دینی و بومی خود را باز خواهند یافت. در نهایت می‌توان مدل نظری پژوهش را بر این اساس ترسیم کرد. از ویژگی‌های این مدل، ممزوج شدن عناصر فرهنگ و مصادیق آن با شایسته‌محوری و با رویکرد اسلامی است.



مدل نظری پژوهش

هـ) بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش چستی و چرایی مبانی فرهنگی آموزش عالی از دو منظر عمومی و تخصصی با تأکید بر رویکرد اسلامی به فرهنگ شایسته‌محوری تحلیل و تبیین شد. در بخش اول، چستی و چرایی مبانی فرهنگی آموزش عالی به طور عام با طرح مباحثی همچون: تولید علم و دانش، انتقال و اشاعه دانش و کاربرد دانش ارائه شد. از منظر دیگر، ماهیت آموزش عالی در قالب چهار عنصر اصلی اعضای هیئت علمی، دانشجویان، برنامه دوسی و محیط مورد تأکید قرار گرفت؛ زیرا اگر آموزش عالی نباشد، هیچ کدام از آنها به شکلی که امروزه با آنها مواجه‌ایم، نخواهند بود. از طرفی، با نگاهی به سنت‌های رایج دانشگاهی، به هویت دانشگاه ایرانی و تأثیراتی که از ابتدا پذیرفته، اشاره شد. بر این اساس، به طور دقیق نمی‌توان گفت که دانشگاه ایرانی متعلق به کدام الگوست؛ چون هر کدام از الگوهای ناپلئونی، هومبولتی، آکسبریجی و شرکتی در زمانهای مختلف تأثیرات متفاوتی بر آموزش عالی ما داشته‌اند. در این بررسی، درستی و نادرستی هیچ کدام از این الگوها مورد بحث نیست و قضاوتی صورت نگرفته است. نکته مهم قابل توجه، ارزشهای مختلفی است که از زمان تأسیس دانشگاه تهران تاکنون در جامعه با آنها مواجه بوده‌ایم و باعث شده پدیده‌ای به نام آموزش عالی را به صورت امروزی داشته باشیم. از سوی دیگر، ویژگی‌های تخصصی مبانی فرهنگی آموزش عالی که مسئله اصلی این بررسی است، در شش بُعد مورد مطالعه قرار گرفت که در

600 ♦ تحلیل و تبیین مبانی فرهنگی آموزش عالی

بحث چيستی مبانی فرهنگی نظام آموزش عالی، ابعاد تقویت نقد و نقدپذیری، هویت‌یابی در آموزش عالی، ممانعت از تهاجم فرهنگی، پرورش خلاقیت در آموزش عالی، توسعه فرهنگی جامعه و در نهایت توسعه فردی بررسی شد. به عبارت دیگر؛ تحقق موجودیت آموزش عالی که ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، در بستر نقد و نقادی، شکل‌گیری صحیح هویت افراد جامعه، محافظت از جامعه در برابر پدیده تهاجم فرهنگی، محفل پرورش خلاقیتها، حاکمیت نگرش علمی بر فرهنگ جامعه، و نیز «کاوش ذهنی، توجه به کیفیت یادگیری و فناوری در آموزش عالی» در افراد، در بستر عقل‌گرایی انسان با محوریت توحید، شایسته‌محور می‌شود. همه‌ساله شاخصهایی که سازمان یونسکو گزارش می‌دهد، نمونه بارزی برای مقایسه نظام آموزش عالی کشورهاست که توسعه فرهنگی جوامع را نیز نشان می‌دهد. وقتی فرهنگ جامعه رشد و توسعه یابد، توسعه فردی هم اتفاق خواهد افتاد. قدر یقین فناوری نو در هر ملت، نظام آموزش عالی آن را از جایگاه والایی برخوردار می‌کند. فرهنگ در آموزش عالی پدیده‌ای است که تحت تنوع و تکثر عوامل مختلفی قرار می‌گیرد.

چرایی ویژگی‌های تخصصی مبانی فرهنگی آموزش عالی می‌تواند ابزاری برای آشکارسازی عناصر متعارض فرهنگی باشد که به رفتار و برنامه‌های نامؤثر می‌انجامند. در حقیقت، با بررسی فرهنگ سازمانی می‌توان نحوه رسیدن سازمان به وضعیت فعلی‌اش را نیز تبیین و آثار گذشته را در تصمیم‌گیری و عمل تشریح کرد، منطق پشت رشد و توسعه یک نهاد را توضیح داد و با فهم این موضوع به مبنای بهتری برای تصمیم‌گیری اداری و اجرایی دست یافت که در رویارویی دانشگاهها و دانشکده‌ها با چالشهای موجود، اهمیت بسزایی دارد. مطالعات مختلف، چرایی و چرایی مبانی فرهنگ سازمانی آموزش عالی را به طرق مختلفی تبیین کرده‌اند. هر یک از آنها متناسب با بافت جامعه و سرشت آموزش عالی به گونه‌ای، شایسته‌محوری را رقم زده که برای هر دانشگاهی نقش یک سرمایه اصلی را ایفا می‌کند. لذا در این مطالعه، شایسته و بایسته بود تا چرایی و چرایی مبانی فرهنگی آموزش عالی با رویکرد اسلامی تبیین شود. همانطور که اشاره شد، در عمیق‌ترین لایه فرهنگ ادگار شاین، هسته‌ای از «باورها و مفروضات» جای گرفته است که در جامعه ما ریشه در اعتقادات توحیدی دارد. با وجود استعدادهای فراوان در همه جوامع، تعداد معدودی از جوامع به رشد و توسعه علمی دست یافته‌اند. نشو و نمای علمی تنها در جوامعی که زمینه فرهنگی و فرهنگ دانشگاهی مناسب را ایجاد کرده‌اند به وقوع پیوسته است. پیشرفت زمانی در جوامع محقق می‌شود که بسترهای اولیه و زمینه‌ساز آن وجود داشته باشد. یکی از زیرساختهای پیشرفت علمی و فنی در جوامع، تولید فرهنگ و هنجارهای دانشگاهی و حرفه‌ای متناسب با آن است. فرهنگ دانشگاهی ما از دیدگاه صاحب‌نظران با داشتن ویژگی‌هایی از قبیل عدم استقلال آکادمیک، نبود آزادی علمی، مدیریت متمرکز، ضعف ارتباطات، فردگرایی و ضعف کار گروهی، ضعف سرمایه انسانی، نداشتن منزلت و پاداش مادی و معنوی و همچنین فرهنگ ارزیابی کمی‌گرایانه رنج می‌برد؛ اما از آنجا که فرهنگ دانشگاهی هر

601 ♦ جواد پورکریمی و همکاران

جامعه برآمده از ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن است، می‌توان ضعفها و ویژگی‌های حاکم بر فرهنگ دانشگاهی را ناشی از ضعف ساختارهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دانست. در فرهنگ دانشگاهی عصر حاضر تلاش بر آن است که با تمرکز بر آموزش، ابداعات، نوآوری علمی و پرداختن به دنیای علم، جهان کنونی درک و اصلاح شود.¹ با توجه به گزارشها و تحقیقات انجام شده، فرهنگ جهان علم بر پیشرفت فناوری و روح علمی مبتنی بر بینش عقلانی آمیخته به سکولار در روابط اجتماعی پیش می‌رود. این جایگزینی فرهنگ آموزش و پژوهش بر تهذیب و تربیت، پیامدی جز تنزل فردیت فراگیران علم و تقویت خطر از خود بیگانگی آنان نخواهد داشت.

دانشگاهها می‌توانند در جهت بومی شدن و پیوند ارزشی - فرهنگی با جامعه خود، کاوش در معانی علوم و به ویژه علوم انسانی را برای دستاوردها و نوآوری‌هایشان، در حوزه معارف دینی و روش توحیدی تعقیب کنند؛ به این معنا که با بهره‌مندی عقل آدمی از آموزه‌های وحیانی اسلام، تولید علم را در رشته‌های گوناگون با وجه مشترک بینش توحیدی توسعه دهند. در واقع کلام وحیانی، تبیین‌کننده امور مختلف برای همگان است² و ارتقاء فرهنگ صحیح دانشگاهی در گرو تربیت نسلی خداجو، پرسشگر، ژرف‌اندیش، دارای اعتماد به نفس همراه با روحیه علمی است. البته در این راستا باورها، هنجارها و ناهنجارها اغلب از طریق روحانیت به جامعه القا می‌شود و هم‌اندیشی و وحدت‌نخبگان دانشگاهها با علمای دینی به عنوان عناصر مولد فرهنگ، در تحقق این امر مهم تأثیری شگرف دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. اگر انسان از ساحت غیر مادی خود غفلت ورزد چگونه می‌تواند دنیای اطراف خود را بشناسد؟! همانگونه که امام علی(ع) به تصریح می‌فرماید: «كَيْفَ يَعْرِفُ غَيْرَهُ مَنْ يَجْهَلُ نَفْسَهُ» (تمیمی‌الامدی، 1410: ح 6998)، و نیز: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ كَانْ لَغَيْرِهِ أَعْرَفَ وَ مَنْ جَهِلَ نَفْسَهُ كَانْ يَغْتَابُ أَجْهَلَ» (همان، ح 8758)

2. «وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: 89)؛ و بر تو این کتاب را نازل کردیم که روشنگر هر چیز است. «هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» (آل عمران: 138)؛ این، بیانی است برای عموم مردم، و هدایت و اندرزی است برای پرهیزگاران.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ابراهیمی، روناک؛ فریبا عدلی و گلنار مهران (1394). «نقش فرهنگ دانشگاهی بر دانش آفرینی از دیدگاه صاحب‌نظران نظام آموزش عالی». پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ش 21(1): 127-151.
- امام خمینی، سید روح‌اله (1377). دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امین مظفری، فاروق؛ محمد عباس‌زاده و رجب رضایی فرهادآباد (1394). «بررسی رابطه فرهنگ رشته‌ای با انواع فرهنگ‌های دانشگاهی در دانشگاه تبریز». جامعه‌شناسی کاربردی، ش 26(4): 1-24.
- باقری، خسرو (1387). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، جلد اول. تهران: علمی و فرهنگی.
- باقری حیدری، فاطمه (1394). «بررسی عوامل مؤثر بر هویت دانشگاهی در بین دانشجویان؛ مطالعه موردی دانشگاه‌های پیام نور، آزاد و غیر انتفاعی». فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ش 5(4): 587-600.
- برنامه‌های پیشنهادی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری به مجلس شورای اسلامی (1397). http://nameh.irphe.ir/Content.aspx?Page_ID=12
- بوردیو، پی‌یر (1384). شکلهای سرمایه در سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه. از کیان تاجبخش. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: شیرازه.
- تمنا، سعید و سمیه صمدی (1395). «رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی با میزان آگاهی دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی». پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ش 22(1): 99-126.
- تمیمی‌آمدی، عبدالواحد بن محمد (1410 ق). غرورالحکم و دررالکلم. قم: دارالکتب الاسلامی.
- دانشگاه تهران (1390). سند چشم‌انداز دانشگاه تهران در افق 1404.
- ذاکر صالحی، غلامرضا (1396). «دانشگاه ایرانی و مناقشه هویتی-کارکردی: در جستجوی الگوی گم‌شده». مبانی تعلیم و تربیت، ش 7(1): 27-46.
- ذوالفقارزاده، محمد مهدی؛ علی‌نقی امیری و حسن زارعی‌متین (1390). «کشف فرهنگ دانشگاه: واکاوی نظری و گونه‌شناختی مطالعات فرهنگ دانشگاهی». اندیشه مدیریت راهبردی، ش 5(1): 45-97.
- زاهدی اصل، محمد (1388). اخلاق حرفه‌ای و فرهنگ در توسعه علمی تا توسعه ملی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- سند راهبردی گفتمان توسعه نظام آموزش، پژوهش و فناوری کشور (1394). وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- صالحی عمران، ابراهیم و فاطمه حسین تبار مرزبالی (1394). «آموزش عالی، رویکرد پست‌مدرنیسم و توسعه خوزه‌های صنعتی». انجمن آموزش عالی ایران، ش 6(4): 1-19.

- صادقی، زینب؛ رضا محتشمی، امیر میری و سبحان صادقی (1389). «خلافت در آموزش عالی؛ گامی اساسی در جهت توسعه پایدار». راهبردهای آموزش، دوره سوم، ش 1: 23-28.
- عسکری مقدم، رضا (1397). «طرحی برای سنجش فرهنگ علمی و دانشگاهی». مطالعات اجتماعی ایران، ش 12(2): 53-82.
- فاضلی، نعمت‌الله (1386). «فرهنگ نقد و نقادی (جیستی چرایی و چگونگی نقد و نقادی در اجتماعات علمی)». آیین دی، ش 10: 47-53.
- فتح‌آبادی، جلیل (1393). «نگرش اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران به فعالیتهای فرهنگی استادان بر اساس ماده اول آیین‌نامه ارتقا». تحقیقات فرهنگی ایران، ش 7(2): 97-116.
- فراستخواه، مقصود (1385). «اخلاق علمی رمز ارتقای آموزش عالی: جایگاه و سازوکارهای اخلاقیات حرفه‌ای علمی در تضمین کیفیت آموزش عالی ایران». اخلاق در علوم و فناوری، ش 1: 13-28.
- فراستخواه، مقصود (1389). دانشگاه و آموزش عالی: منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی. تهران: نی.
- فقیه نصیری، مریم و کیومرث نیازی آذر (1394). «طراحی مدل جهت انتقال فناوری نوین در نظام آموزش عالی». نوآوری و ارزش‌آفرینی، ش 3(6): 55-66.
- قائدعلی، حمیدرضا و مهدی عاشوری (1393). «مشکلات و کاستی‌های اثربخشی فعالیتهای فرهنگی در دانشگاه». پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی در دانشکده علوم انسانی اسلامی و قدرت ترم دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، ش 4(9): 169-190.
- قاسمی، افسانه (1398). «تجربه زیسته و ادراک شده دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی (تحصیلات تکمیلی گروه علوم انسانی دانشگاه تهران)». جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ش 6(13): 95-126.
- قانع راد، محمدمین (1385). «نقش تعاملات دانشجویان و اساتید در تکوین سرمایه اجتماعی دانشگاهی». جامعه‌شناسی ایران، ش 7(1): 3-29.
- قانع راد، محمدمین؛ امیر ملکی و زهرا محمدی (1393). «مطالعه دگرگونی فرهنگی در سه نسل دانشگاهی (مطالعه موردی: اساتید علوم اجتماعی دانشگاههای تهران)». جامعه‌شناسی ایران، ش 14(1): 30-64.
- قورچیان، نادرقلی؛ حمیدرضا آراسته و پریش جعفری (1383). دایره‌المعارف آموزش عالی. جلد دوم. تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- کرمی، مرتضی و هدی فتاحی (1392). «تغییر برنامه درسی آموزش عالی؛ مورد: برنامه درسی دوره کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی». مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، ش 4(7): 110-136.
- کلینی، ثقه الاسلام (1374). اصول الکافی. جلد 5. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- مزروعی، خسرو و مهدی کمال غربی (1393). «بست‌مدیرنیم و جهانی شدن فرهنگ با تأکید بر دیدگاه انتقادی ژان فرانسوا لیوتار». مطالعات سیاسی، ش 7(26): 107-136.

604 ♦ تحلیل و تبیین مبانی فرهنگی آموزش عالی

- ممنون، مینا؛ فریبا عدلی و پروین صمدی (1396). «نقش فرهنگ دانشگاهی بر سهیم‌سازی دانش میان اعضای هیئت علمی مطالعه موردی دانشگاه الزهراء(س)». *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ش 13(1): 29-49.
- نامور، یوسف؛ محمد یمینی دوزی سرخابی، محمدامین قانع‌ی راد و محبوبه عارفی (1397). «آسیب‌شناسی فرهنگ دانشگاهی در ایران بر اساس تحلیل محتوای مطالعات انجام شده داخل کشور». *رهیافتی نو در مدیریت آموزش عالی*، ش 9(3): 1-24.
- نوروززاده، رضا؛ رضا محمودی، کوروش فتحی و اجارگاه و عبدالرحیم نوه ابراهیم (1385). «وضعیت سهم مشارکت دانشگاهها در بازنگری برنامه درسی مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی». *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ش 12(4): 71-92.
- همتی، رضا و شهناز اصلانی (1394). «عوامل مؤثر شکل‌گیری هویت دانشگاهی با تأکید بر نقش اینترنت». *پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی*، ش 21(3): 121-149.
- Albrecht, K. & S. Albrecht (1987). *The Creative Corporation*. Richard d Irwin.
- Austin, A.E. (1990). "Faculty Cultures, Faculty Values". *New Directions for Institutional Research*, 68: 61-74.
- Baker, D.P. (2017). **Pennsylvania State University**. He writes about the effects of education on cognition, health, and society. He is coauthor of *National Differences, Global Similarities: World Culture and the Future of Schooling* (Stanford University Press, 2005) and author of *The Schooled Society: The Educational Transformation of the Century of Science: The Global Triumph of the Research University*, 33, 277.
- Baldrige, J.V. (1971). **Power and Conflict in the University**. New York: John Wiley.
- Bartell, M. (2003). "Internationalization of Universities: A University Culture-Based Framework". *Higher Education*, 45(1): 43-70.
- Becher, T. (1981). "Towards a Definition of Disciplinary Cultures". *Studies in Higher education*, 6(2): 109-122.
- Bergquist, W.H. & K. Pawlak (2007). **Engaging the Six Cultures of the Academy: Revised and Expanded Edition of the four Cultures of the Academy**. John Wiley & Sons.
- Clark, B.R. (1985). "Listening to the Professoriate". *Change: The Magazine of Higher Learning*, 17(5): 36-43.
- Clark, B.R. (1986). **The Higher Education System: Academic Organization in Cross-National Perspective**. Univ of California Press.
- Cohen, M.D. & J.G. March (1974). **Leadership and Ambiguity: The American College President**.
- Dill, D.D. (1982). "The Management of Academic Culture: Notes on the Management of Meaning and Social Integration". *Higher Education*, Vol. 11, No. 3: 303-320.

- Freeman, S.J. & K.S. Cameron (1991). "Cultural Congruence, Strength and Type: Relationships to Effectiveness". *Research in Organizational Change and Development*, 5, 23, 58: 409-422.
- Huda, M.; N. Sabani, M. Shahrill, K.A. Jasmi, B. Basiron & M.I. Mustari (2017). "Empowering Learning Culture as Student Identity Construction in Higher Education". In: *Student Culture and Identity in Higher Education* (160-179). IGI Global.
- Kamp, P.M. (2017). **The Lean Journey for Dutch Higher Education Institutions: a way to go?** (Master's thesis, University of Twente).
- Kuh, G.D. & E.J. Whitt (1988). "The Invisible Tapestry. Culture in American Colleges and Universities". *ASHE-ERIC Higher Education, Report No. 1, 1988*. Association for the Study of Higher Education, Dept. E, One Depont Circle, Suite 630, Washington, DC 20036-1183.
- Kumpfer, K.L. (2002). "Factors and Processes Contributing to Resilience". In: *Resilience and Development* (179-224). Springer, Boston, MA.
- Leifer, R. (1979, June). "The Social Construction of Reality and the Evolution of Mythology as a Means for Understanding Organizational Control Processes". In *Institute of Management Science International Meeting*.
- Maciag, J. & Harrison (2019). **Lean Culture in Higher Education**. Springer International Publishing.
- March, J.G. & J.P. Olsen (1976). "Organizational Choice under Ambiguity". *Ambiguity and Choice in Organizations*, 2: 10-23.
- Masland, A.T. (1985). "Organizational Culture in the Study of Higher Education". *The Review of Higher Education*, 8(2): 157-168.
- Paulsen, M.B. (2016). **Higher Education: Handbook of Theory and Research** (Vol. 31). J.C. Smart (Ed.). Springer.
- Pinheiro, R.; L. Geschwind, H.F. Hansen & K. Pulkkinen (2019). **Reforms, Organizational Change and Performance in Higher Education: A Comparative Account from the Nordic Countries**. Palgrave Macmillan.
- Rezende, F. (2011). "Dynamics of Identity in the Academic Field and Implications to Science Students' Identity Formation". *Cultural Studies of Science Education*, 6(1): 187-192.
- Rice, R.E. (1986). "The Academic Profession in Transition: Toward a New Social Fiction". *Teaching Sociology*, 12-23.
- Rong, T.A.N. & S.U.N. Hongwei (2017). "The Democratic "Globalization" and "Localization" Under the Culture Diversification". *Canadian Social Science*, 13(3): 7-13.
- Schein, E.H. (2004). **Organizational Culture**. Translated by Mohammad Ibrahim Mahjoub. Tehran: Franashr.
- Schein, E.H. (2010). **Organizational Culture and Leadership** (Vol. 2). John Wiley & Sons.

- Schein, E.H (1985). **Organizational Culture and Leadership: A Dynamic View**. San Francisco: Jossey-Bass.
- Schein, E.H. (1991). "What is Culture?". In: P.J. Frost, L.F. Moore, M.R.E. Louis, C.C. Lundberg & J.E. Martin (Eds.). *Reframing Organizational Culture*, (P. 243-253). Newbury Park, CA: Sage Publications, Inc.
- Smith, G.D. & L.E. Steadman (1981). "Present Value of Corporate History". *Harvard Business Review*, 59(6): 164-173.
- Välimaa, J. (2008). "Cultural Studies in Higher Education Research". *Cultural Perspectives on Higher Education*, 9-25.
- Amin Mozaffari, Farough; Mohammad Abbaszadeh & Rajab Rezaei Farhadabad (2015). "Investigating the Relationship between Discipline Culture and Different Types of Academic Cultures at Tabriz University". *Journal of Applied Sociology*, 26(4): 1-24.
- Askari Moghaddam, Reza (2018). "A Plan for Measuring Academic and Academic Culture". *Iranian Journal of Social Studies*, 12(2): 53-82.
- Bagheri, Khosro (2008). **An Introduction to the Philosophy of Education of the Islamic Republic of Iran**, Volume I. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Bagheri Heydari, Fatemeh (2015). "Investigating the Factors Affecting Academic Identity Among Students Case Study of Universities Payam Noor, non-governmental". *Culture in Islamic University*, 5(4): 5-87.
- Bourdieu, Pierre (2003). **Forms of Capital in Social Capital: Trust, Democracy and Development**. Translated by Afshin Khakbaz and Hassan Pouyan. Tehran: Shirazeh Publishing.
- Faghih Nasiri, Maryam & Kiomars Niazi Azar (2015). "Designing Model for Transfer of New Technology in Higher Education System". *Journal of Innovation and Value Creation*, 3(6): 55-66.
- Fath Abadi, Jalil (2014). "Faculty Members' Attitude toward the Cultural Activities of Professors Based on First Article of the Promotion Regulations". *Iranian Journal of Cultural Research*, 7(2): 97-116.
- Fazeli, Nematollah (2007). "Culture of Criticism and Criticism (What, why, and how to Criticize and Criticize Scientific Communities)". *Journal of Religion Day*, 10: 47-53.
- Frastkhah, Maghsoud (2006). "Academic Ethics, The Secret of Higher Education Promotion: The Status and Mechanisms of Scientific Professional Ethics in Guaranteeing the Quality of Iranian Higher Education". *Journal of Ethics in Science and Technology*, 13-28.
- Frastkhakh, Maghsoud (2010). **University and Higher Education: Global Perspectives and Iranian Issues**. Tehran: Ney Publishing.
- Ghaed Ali, Hamid Reza & Mehdi Ashouri (2014). "Problems and Shortcomings in the Effectiveness of Cultural Activities at the University". *Two Cultural Journals of Islamic Revolution Cultural Preservation in the*

Faculty of Islamic Humanities and the Soft Power of Imam Hussein Officers and Guardian Education University, 4(9): 169-190.

- Ghanei Rad, Mohammad Amin (2006). "**The Role of Students and Professors Interactions in the Development of Academic Social Capital**". *Iranian Journal of Sociology*, 7(1): 3-29.
- Ghanei Rad, Mohammad Amin; Amir Maleki & Zahra Mohammadi (2014). "**A Study of Cultural Transformation in Three Generations of Academics (Case Study: Social Sciences Professors of Tehran Universities)**". *Iranian Journal of Sociology*, 14(1): 30-64.
- Ghasemi, Afsaneh (2019). "**Students' Perceived and Lived Experiences of Academic Culture (Graduate of Humanities, University of Tehran)**". *Journal of Sociology of Social Institutions*, 6(13): 95-126.
- Ghourchian, Nadargoli; Hamid Reza Arasteh & Parivash Jafari (2004). **Higher Education Encyclopedia**. Tehran: The Great Persian Encyclopedia Foundation, Volume II.
- Hemmati, Reza & Shahnaz Aslani (2015). "**Factors Influencing Academic Identity with Emphasis on the Role of the Internet**". *Higher Education Research and Planning Quarterly*, 21(3): 121-149.
- Imam Khomeini, Rouhollah (1998). **University and Academics from Imam Khomeini's Point of View**. Tehran: Institute for Organizing and Publishing Imam Khomeini's Works.
- Karami, Morteza & Hoda Fatahi (2013). "**Changing Higher Education Curriculum: The Case of the Undergraduate course in Educational Planning**". *Two Higher Education Curriculum Studies Quarterly*, 4(7): 110-136.
- Koleyni, Thaqat al-Islam (1995). **Principles of Al-kafi**. Vol. 5. Tehran: Office of Islamic Studies and History.
- Mamnoon, Mina; Fariba Adly & Parvin Samadi (1396). "**The Role of Academic Culture on Knowledge Sharing among Faculty Members of Alzahra University Case Study**". *Modern Educational Thoughts Quarterly*, 13(1): 29-49.
- Mazroui, Khosro & Mahdi Kamal Gharibi Mofrad, (2014). "**Postmodernism and the Globalization of Culture with Emphasis on the Critical View of Jean-François Lyotard**". *Journal of Political Studies*, 7(26): 107-136.
- Namvar, Youssef; Mohammad Yamani Duzhi Sarkhabi, Mohammad Ghane Rad & Mahboubeh Arefi (1979). "**Pathology of Academic Culture in Iran Based on Content Analysis of Domestic Studies**". *New Approach to Higher Education Management*, 9(3): 1-24.
- Norouzzadeh, Reza; Reza Mahmoudi, Kurosh Fathi Wajarghah & Abdolrahim Naveh Ebrahim (2006). "**The Contribution Status of Universities' Participation in Curriculum Review Approved by the Higher**

- Planning Council**". *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 12(4): 71-92.
- **Proposed Programs of the Minister of Science, Research and Technology to the Islamic Consultative Assembly** (2018). http://nameh.irphe.ir/Content.aspx?Page_ID=۱۲.
 - Sadeghi, Zeinab; Reza Mohtashami, Amir Miri & Sobhan Sadeghi (2010). "**Creativity in High Education - a Key Step Towards Sustainable Development**". *Journal of Education Strategies*, 3(2): 23-28.
 - Salehi Omran, Ebrahim & Fatemeh Hossein Tabar Marzbali, (2015). "**Higher Education, the Postmodernist Approach and the Development of Industrial Clusters**". *Journal of Iranian Higher Education Association*, 6(4): 1-19.
 - **Strategic Document of Discourse on Development of Education, Research and Technology System of Iran** (2015). Ministry of Science, Research and Technology.
 - Tamanna, Saeed & Somayeh Samadi (2016). "**The Relationship between Cultural Capital and Social Capital with Students' Awareness of Academic Culture**". *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 22(1): 99-126.
 - Tamimi Alamadi, Abdul Wahed bin Mohammed (1989). **Pride and rage**. Qom: Dar al-Islam al-Islami.
 - University of Tehran (2011). **University of Tehran Perspective Document on Horizon 1404**.
 - Zahedi Asl, Mohammad (2009). **Professional Ethics and Culture in Scientific Development to National Development**. Institute for Cultural and Social Studies, Ministry of Science, Research and Technology.
 - Zakar Salehi, Gholamreza (2017). "**Iranian University and Functional Identity Conflict: In Search of the Lost Pattern**". *Journal of Educational Foundations*, 7(1): 27-46.
 - Zolfagharzadeh, Mohammad Mehdi; Ali Naghi Amiri & Hassan Zarei Matin (2011). "**Discovering "University Culture": Theoretical and Typological Analysis of University Culture Studies**". *Two Strategic Management Thoughts*, 5(1): 45-97.

